

تبیین نقش شهرنشینی بر توسعه فرهنگ سیاسی در ایران

احمد پوراحمد - استاد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تهران، دانشکده جغرافیا
حسین حاتمی‌نژاد - استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تهران، دانشکده جغرافیا
محمدتقی رهنمای - استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تهران، دانشکده جغرافیا
محمدباقر قالیباف - دانشیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران، دانشکده جغرافیا
سیدعلی حسینی* - دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تهران، دانشکده جغرافیا

تأیید مقاله: ۱۳۹۳/۶/۱۹

پذیرش مقاله: ۱۳۹۳/۲/۷

چکیده

شهرها کانون اصلی رویدادها، کنش‌ها، واکنش‌ها و انواع تعاملات و مناسبات اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و کالبدی‌اند و از سوی دیگر به عنوان یک پدیده مدرن معرف جایگاه و نقش ملت‌ها در روند توسعه تعاملات و مناسبات مذکور محسوب می‌شوند؛ بدین معنی که شکل‌گیری شهر و توسعه شهرنشینی ضمن اینکه متأثر از نتایج تصمیم‌گیری‌های عمدتاً سیاسی است، خود نیز پیامدهای فوق‌العاده‌ای در فرهنگ سیاسی و سیاست ملی، منطقه‌ای و حتی جهانی دارد. لذا هدف این پژوهش بررسی و تبیین نقش رشد شهر و شهرنشینی در توسعه فرهنگ سیاسی است. در این راستا برای استخراج مؤلفه، شاخص و متغیرهای شهرنشینی و فرهنگ سیاسی و همچنین سنجش ارتباط و آثار مستقیم و غیرمستقیم آنها از روش‌شناسی آمیخته بهره گرفته شده است. فرایند کلی پژوهش نیز به دو بخش تدوین و ترسیم مدل تأثیر شهرنشینی بر توسعه فرهنگ سیاسی و سنجش و آزمون میزان تأثیرگذاری شهرنشینی بر توسعه فرهنگ سیاسی تقسیم می‌گردد. در گام اول پژوهش، برای ترسیم اولیه مدل از روش دلفی سیاستی و در گام دوم نیز از پرسش‌نامه بهره گرفته شده است. به منظور سنجش روابط بین مؤلفه‌های پژوهش از آزمون ناپارامتریک اسپیرمن و برای برآورد آثار مستقیم و غیرمستقیم مؤلفه‌ها بر توسعه سیاسی از روش تحلیل مسیر استفاده شده است. نتایج پژوهش بیانگر آن است که شهرنشینی و فرایند آن یکی از مؤلفه‌های زیربنایی توسعه فرهنگ سیاسی به‌طور اخص و توسعه سیاسی به‌طور اعم است. همچنین مؤلفه‌های مشارکت سیاسی، آگاهی سیاسی، آزادی بیان و اندیشه و دموکراسی، نهادسازی و تضعیف بنیان‌های عشیره‌ای، قومی و جنسیتی هر یک تأثیر مستقیم و غیرمستقیم بر توسعه فرهنگ سیاسی داشته‌اند. نیز متغیرهای بسیج اجتماعی و شکل‌گیری فضاهای عمومی و مجازی تأثیر غیرمستقیم بر توسعه فرهنگ سیاسی داشته‌اند. از بین متغیرهای شهرنشینی، تضعیف بنیان‌های قومی و عشیره‌ای با میزان ارتباط کل ۱/۸۵۳ بیشترین و بسیج اجتماعی با ۰/۶۵۴ کمترین تأثیر را بر توسعه فرهنگ سیاسی داشته است. از سوی دیگر، متغیر آزادی بیان و اندیشه به عنوان یکی از متغیرهای مؤلفه‌های توسعه فرهنگ سیاسی، با ۱/۱۳۹ بیشترین و دموکراسی با ۰/۸۷۹ کمترین تأثیر را بر توسعه فرهنگ سیاسی داشته است.

کلیدواژه‌ها: ایران، توسعه، شهرنشینی، فرهنگ سیاسی، مدل تحلیل، مسیر.

مقدمه

شهر و فرایند شهرنشینی که امروز به شکل زیست غالب تمام بشریت درآمده و در آینده نزدیک شاید به تنها شکل سکونتگاهی و زندگی اجتماعی انسان‌ها تبدیل شود (نظریان، ۱۳۸۸: ۲۱)، مبدأ و بستر تحولات گسترده در ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، صنعتی و غیره است. مطالعات زیادی در ارتباط با گسترش شهر و شهرنشینی در دهه‌های اخیر و تأثیرات مختلف آن صورت پذیرفته است و اندیشمندان زوایای مختلف آن را کاوش کرده‌اند. اما یکی از مباحثی که هنوز در سطح بین‌المللی و به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه از جمله ایران قابلیت بررسی داشته و کمتر به آن پرداخته شده است، ارتباط بین شهر و شهرنشینی با توسعه سیاسی و توسعه فرهنگ سیاسی است. نتایج تحقیق تعداد زیادی از پژوهشگران در سراسر دنیا نشان می‌دهد که شهرنشینی به‌طور کلی یکی از اهرم‌های اساسی توسعه محسوب می‌شود و مطالعات زیادی در خصوص تأثیر آن بر جنبه‌های مختلف توسعه اقتصادی صورت گرفته است؛ اما درباره تأثیر این انقلاب (شهرنشینی) بر مقوله توسعه سیاسی تحقیقات زیادی صورت نگرفته است. پژوهشگرانی که در این خصوص تحقیق کرده‌اند، با توجه به سطح و کیفیت شهرنشینی در کشورهای مختلف، به نتایج متفاوتی دست یافته‌اند و بیشتر آنها بر این عقیده‌اند که شهرنشینی دارای تأثیر کم تا زیاد بر کل مفهوم توسعه و به‌ویژه توسعه سیاسی است (لرنر، ۱۹۵۶)، (مک کرون، ۱۹۶۷)، (تانتر، ۱۹۶۷)، (کاترایت، ۱۹۶۳)، (لیپست، ۱۹۵۹)، (داتچ، ۱۹۶۱)، (میلبرت، ۱۹۶۵) و ... شهرها به عنوان بستر شکل‌گیری نهادمندی‌های سیاسی و مدنی بخش جدایی‌ناپذیری از فرایند نوسازی و توسعه اجتماعی، اقتصادی و سیاسی محسوب می‌شوند. در اثر فرایند نوسازی، ساخت جامعه پیچیده شده و شکاف‌های مختلف طبقاتی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی پدیدار می‌شود و از دل این شکاف‌ها، نهادها و نیروهای اجتماعی و سیاسی ظهور می‌کنند که این نیروها و گروه‌هایی که خواستار مشارکت و آزادی‌های سیاسی‌اند، عمدتاً درون‌مایه شهری داشته و فضای شهری در شکل‌گیری و موفقیت آنها سهم بسزایی داشته است.

شهر و شهرنشینی در ایران نیز طی نیم قرن گذشته همانند دیگر کشورهای در حال توسعه از رشد قابل ملاحظه‌ای برخوردار بوده است. به گونه‌ای که جمعیت شهرنشین از ۳۱ درصد در سال ۱۳۳۵ به بیش از ۷۱ درصد در سال ۱۳۹۰ و همچنین تعداد شهرها به ترتیب از ۱۹۹ شهر به بیش از ۱۱۷۹ شهر در سال ۱۳۹۰ رسیده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰). با افزایش تعداد جمعیت شهرنشین، به مرور از تعداد جمعیت روستایی کاسته شده و هم‌اکنون جمعیت روستایی کشور به کمتر از ۲۹ درصد رسیده و به تبع آن تعداد مراکز روستایی کاهش یافته است. با توجه به اهمیت شهر و شهرنشینی و تحولات آن در جهان سوم، به‌ویژه در کشور ایران از یک سو و نبود پژوهشی در باب نقش شهرنشینی در توسعه سیاسی از سوی دیگر، ضرورت دارد ضمن تبیین نظریه‌های مختلف در باب نقش شهرنشینی در توسعه سیاسی، چگونگی ارتباط آنها بررسی و تبیین شود. هدف اصلی در این پژوهش بررسی تأثیر شهرنشینی بر فرایند توسعه سیاسی با تأکید بر توسعه فرهنگ سیاسی در ایران است. لذا سؤال اصلی پژوهش بدین صورت مطرح می‌گردد:

آیا رشد شهر و شهرنشینی موجب توسعه فرهنگ سیاسی در یک ساختار اجتماعی می‌گردد؟

چارچوب نظری پژوهش

بدون شک فرهنگ سیاسی^۱ یکی از مهم‌ترین عوامل شکل‌دهنده رفتار و کنش‌های سیاسی افراد یک جامعه است. چرا که فرهنگ سیاسی می‌تواند با تحمیل الگوها و ارزش‌های غیرارادی، کنش‌های افراد را به عنوان بازیگران سیاسی تحت تأثیر قرار دهد. شناخت فرهنگ سیاسی هر جامعه‌ای از پیچیدگی خاصی برخوردار است. به دلیل آن که این نوع فرهنگ اساساً طی فرایندی تاریخی و تحت تأثیر عوامل متعدد، از موقعیت جغرافیایی گرفته تا ویژگی‌های نظام سیاسی آن جامعه شکل گرفته است. فرهنگ سیاسی در فرایند تاریخی شکل می‌پذیرد و به این جهت در بررسی فرهنگ سیاسی هر جامعه باید ویژگی‌هایی را در نظر گرفت که ریشه در تاریخ آن جامعه دارد. از سوی دیگر، ارائه تعاریف متعددی از سوی اندیشمندان مختلف در باب این مفهوم نیز بر این پیچیدگی افزوده است. لذا نخستین قدم برای شناخت فرهنگ سیاسی ارائه تعریفی برای آن است. به نظر می‌رسد اصطلاح «فرهنگ سیاسی» را اولین بار هردر^۲ در اواخر قرن هجدهم به کار برد (حسینی، ۱۳۷۹). اما رشد و تکوین آن به عنوان یک مفهوم در علوم سیاسی مدرن به دهه ۱۹۵۰ و ۶۰ میلادی برمی‌گردد و این اصطلاح به صورت علمی و مدون، از جنگ جهانی دوم در ادبیات توسعه مطرح شده است. واژه فرهنگ سیاسی را نخستین بار آلموند و وربا^۳ در علم سیاست به کار بردند «هر نظام سیاسی شامل الگوی خاصی از سمت‌گیری‌ها به سوی عمل سیاسی است و فکر می‌کنم بهتر است این الگو را فرهنگ سیاسی بنامیم» (Almond and Verba, 1990: 10). همچنین تعبیر فرهنگ سیاسی را می‌توان در نوشته‌های جامعه‌شناسان و مردم‌شناسانی مانند ساموئل بوراندر^۴، آدام اولام^۵، روت بنددیکت^۶، مارگارت مید^۷، ابرام کاردین^۸، رالف لیتتون^۹ و افرادی دنبال کرد که در باب مفاهیمی چون فرهنگ و شخصیت کار کرده‌اند. فیشر^{۱۰} نیز فرهنگ سیاسی را «الگوها، اعتقادات و فرضیه‌های معمولی مردم نسبت به جهان سیاست می‌داند» (Fisher, 2003: 1). چلبی فرهنگ سیاسی را با مراجعه به پیوستار مردم‌سالاری - خود - سالاری مفهوم‌سازی کرده است (چلبی، ۱۳۷۵). قوام، فرهنگ سیاسی را تلقی مردم و جهت‌گیری آنها نسبت به نظام سیاسی و کارکردهای آن می‌داند؛ کارکردهایی که در زمینه انگاره‌ها و ایستارها نسبت به اقتدار، مسئولیت‌های حکومتی و الگوهای مربوط به جامعه‌پذیری سیاسی مورد توجه قرار می‌گیرند. وی بدین طریق فرهنگ سیاسی را محصول تاریخ نظام و عقاید سیاسی می‌داند که ریشه و رفتار عمومی و نیز تجربه شخصی دارد (قوام، ۱۳۷۹). لذا به طور خلاصه می‌توان گفت «فرهنگ سیاسی» بینش، ذهنیت، تلقی، انگاره‌ها، ایستارها و رویکرد مردم نسبت به کلیت نظام سیاسی است که با توجه به محیط جغرافیایی و نحوه دسترسی آنها به اطلاعات و خدمات مختلف، از سطوح مختلفی برخوردار است. از سوی

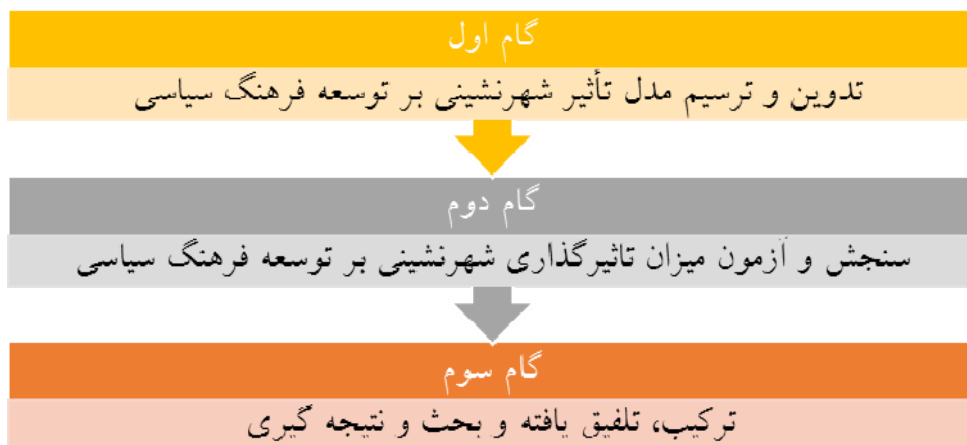
1. Political culture
2. Herder
3. Almond & Verba
4. Bondra
5. Olam
6. Benedict
7. Mead
8. Kardinder
9. Linton
10. Fisher

دیگر، توسعه به رفع محرومیت و تحقق نیازهای اساسی انسان مانند تغذیه کافی و مناسب، آب سالم، تسهیلات و خدمات آموزشی و بهداشتی، حمل‌ونقل و سرپناه دلالت دارد و شامل تقویت احساس خودارزشمندی در میان مردم می‌گردد. ابعاد خودارزشمندی شامل قدرت تصمیم‌گیری، اتکابه‌نفس، مشارکت در تصمیم‌گیری، هویت فرهنگی و ملی و نیز داشتن احساس هدفمندی در زندگی و کار است (Streenton, 1979: 5). به‌طور کلی، توسعه جریانی است که تجدید سازمان و سمت‌گیری متفاوت کل نظام اقتصادی- اجتماعی را در خود به همراه دارد. توسعه افزون بر بهبود میزان تولید و درآمد، شامل دگرگونی اساسی در ساختارهای نهادی، اجتماعی، اداری و همچنین ایستارهای مردم می‌شود. بنابراین در بسیاری از موارد حتی عادات، رسوم و عقاید مردم را نیز در بر می‌گیرد (ازکیا، ۱۳۶۹: ۷-۸). یکی از بسترهای توسعه شهر و شهرنشینی است. شهرنشینی می‌تواند گسترش یک شهر، افزایش جمعیت یا مساحت مناطق شهری در طول زمان تعریف گردد (Usha, 2002: 2)، هر چند در ماهیت شهرنشینی بین جوامع توسعه‌یافته و درحال توسعه تفاوت اساسی وجود دارد. چرا که عموماً دلیل اصلی افزایش روند شهرنشینی به‌ویژه در جوامع درحال توسعه مهاجرت از مناطق روستایی به شهرها و از شهرهای کوچک و میانی به شهرهای بزرگ است. به‌طوری که دو قرن پیش تنها دو شهر یک میلیون نفری لندن و پکن وجود داشت (Satterthwaite, 2007: 9) (Desai et al, 2010: 17). اما اکنون ۲۹۳ شهر میلیونی وجود دارد که اغلب آنها در کشورهای درحال توسعه هستند. نرخ رشد این‌گونه شهرها از سال ۱۲۹۹ تا ۱۳۶۹ ه. ش ده برابر گردیده است. برخی از این شهرها مانند عمان، داکا و حراره به عنوان مگاشهرهای بالای ۱۰ میلیون نفر شناخته می‌شوند (Desai et al, 2002: 18). از طرفی شهرنشینی هم‌اکنون به عنوان بخشی از فرایند رشد در کشورهای جهان سوم شناخته می‌شود. تاریخ نشان داده است که شهرها نیروی محرکه توسعه اقتصادی و اجتماعی کشورهایند. درآمد بیشتر، بهبود سلامتی، زندگی بهتر و دیگر فرصت‌ها همگی هادی رشد سریع شهرنشینی‌اند (Todaro et al, 2006: 101). بر اساس آنچه در زمینه مفهوم توسعه سیاسی و شهرنشینی به عنوان ابزار توسعه جوامع مدرن گفته شد، می‌توان سه دیدگاه در ارتباط با شهرنشینی، نوسازی و دگرگونی فرهنگ سیاسی مطرح کرد. اولین مدل که توسط میلبرت، داتچ، لرنر و دیگران بسط داده شده، مدعی است که مشارکت و فرهنگ سیاسی با جابه‌جایی افراد از مناطق حاشیه‌ای (روستایی) به مناطق مرکزی (شهری) بیشتر می‌شود. بر طبق نظریه مرکز - پیرامون میلبرت، برخی افراد نسبت به دیگران تمایل بیشتری به مشارکت در کانال‌های سیاسی جامعه دارند. ساکنان شهرها، به همین ترتیب گرایش بیشتری به فرایندهای سیاسی در قیاس با ساکنان روستاها دارند (Milbrath, 1965: 110-4). در روشی مشابه، دانیل لرنر شهری شدن را به عنوان مرحله حیاتی فرایند چندجانبه مشارکت سیاسی قلمداد می‌کند؛ زیرا شهرنشینی باعث افزایش سطح آگاهی مردم برای مواجهه با رسانه‌های ارتباط جمعی می‌شود و از این طریق مشارکت سیاسی را افزایش می‌دهد (Lerner, 1958: 43-57). در نهایت بر طبق تحلیل داتچ، بسیج اجتماعی باعث گسترده شدن مشارکت اجتماعی می‌شود. از نظر او همان‌طور که یک جامعه بیشتر به سمت شهری شدن، صنعتی شدن و مدرنیزه شدن حرکت می‌کند، مردم بیشتر به حکومت و کارکردهای آن و همین‌طور منافع خود آگاهی پیدا می‌کنند. آگاهی بیشتر از منافع سیاسی خود باعث تقاضای بیشتر برای مشارکت سیاسی و سطح بیشتری از درگیری سیاسی توده‌ها در سیاست می‌شود (Deutsch, 1961: 492-512). بر طبق مدل دوم یعنی «شهرنشینی و تنزل مشارکت سیاسی و به تبع آن افت فرهنگ سیاسی» که توسط وربا،

نیل، دال، تافته و دیگران پرورش یافته است، مشارکت و فرهنگ سیاسی با جابه‌جایی افراد از مناطق کم‌جمعیت یعنی روستاها و شهرهای کوچک به مناطق پرجمعیت یعنی شهرهای بزرگ و به‌ویژه پایتخت‌ها که از آنها به عنوان دولت‌شهر یاد می‌شود، تنزل می‌یابد. زیرا در شهرهای کوچک و روستاها افراد «حقیقت‌سیاست» و اینکه با چه کسی باید ارتباط برقرار کنند را درک می‌کنند، در قیاس با شهرهای بزرگ سیاست خیلی پیچیده و غیرشخصی می‌شود و شهروندان به میزان بیشتری سردرگم می‌شوند. در نتیجه فرهنگ سیاسی والا و مشارکت سیاسی معنادار مشکل می‌شود و سطح فرهنگ سیاسی تنزل پیدا می‌کند. مشابه با وین، دال و تافته پیش‌بینی می‌کردند که مشارکت و سطح فرهنگ سیاسی در شهرها کاهش پیدا کند؛ «در شهرهای بزرگ‌تر افراد احساس کارآمدی کمتر و در نتیجه مشارکت سیاسی کمتری دارند، بنابراین انگیزه کمتری برای مشارکت دارند و سطح فرهنگ سیاسی تنزل می‌یابد» (Kim and Choe, 1978: 31-32). در نهایت آکس اینکلس و دیگران معتقدند شواهد اندکی وجود دارد که شهرنشینی تأثیر آشکاری بر رفتار سیاسی افراد داشته باشد. او در این زمینه می‌نویسد، «آشکار است زندگی در یک محیط شهری تأثیر شگرفی بر نرخ مشارکت سیاسی ندارد» (Inkeles, 1969: 1139). از آنجا که تز اصلی این پژوهش بررسی تأثیر شهرنشینی بر توسعه فرهنگ سیاسی در ایران است، لذا سعی شده است در قالب روش تحقیق آمیخته اکتشافی و با بهره‌گیری از نظر خبرگان و کارشناسان و تحلیل توأمان کیفی و کمی، موضوع مورد پژوهش بررسی گردد.

روش پژوهش

از نظر روش‌شناسی در این پژوهش کاربردی، با توجه به ناشناخته بودن موضوع تحقیق، از روش تحقیق آمیخته اکتشافی استفاده شده است (Hesse-Biber, 2010: 187). فرایند کلی این پژوهش شامل سه مرحله اصلی است که در شکل یک ترسیم و به تفصیل در ادامه تشریح گردیده است.



شکل ۱. فرایند کلی پژوهش

در گام اول با استفاده از تحقیق کیفی مبتنی بر تکنیک دلفی سیاستی، عوامل شکل‌دهنده شهرنشینی و توسعه فرهنگ سیاسی شناسایی و مدل تأثیر شهرنشینی بر توسعه فرهنگ سیاسی بر اساس نتایج مصاحبه با خبرگان تدوین گردید (Keeney, 2010). در پژوهش حاضر برای افزایش روایی تحقیق، داده‌ها از منابع مختلف جمع‌آوری گردید و زنجیره‌ای منطقی از شواهد فراهم آمد. بدین منظور، از ترکیبی از روش‌های جمع‌آوری داده‌ها از قبیل مطالعات کتابخانه‌ای، مصاحبه، اسناد و گزارش‌های سازمانی استفاده شده است. این پژوهش با مطالعه منابع مستند، مانند گزارش‌های مرکز تحقیقات شهرداری تهران، مرکز تحقیقات مجلس و طرح‌های تحقیقاتی آغاز گردید. سپس، با انجام مصاحبه‌های نیمه‌سازمان یافته با اعضای نمونه، داده‌های کافی به منظور پاسخ به سؤالات تحقیق جمع‌آوری شد (Farquhar, 2012).

جامعه آماری پژوهش حاضر در مرحله تحقیق کیفی، شامل خبرگان علوم شهری و علوم سیاسی است. در مرحله تحقیق کیفی نیز از روش نمونه‌گیری هدفمند از نوع نمونه‌گیری گلوله برفی استفاده شده است (پوراحمد و اسکندری نوده، ۱۳۸۸: ۷۰). دلیل انتخاب تکنیک نمونه‌گیری گلوله برفی آن بود که خبرگان علوم شهری و علوم سیاسی متخصص در زمینه مسأله تحقیق (نقش شهرنشینی بر فرهنگ سیاسی) شناخته شده نبودند. بنابراین، پژوهشگران پس از شناسایی اولین خبره، از وی برای معرفی خبره بعدی برای مصاحبه کمک گرفتند (Babbie, 2011). مطابق اصل کفایت داده‌ها، نمونه‌گیری تا زمانی ادامه یافت که نمونه‌های جدید (خبرگان جدید) اطلاعات مفید و جدید دیگری را افزون بر آنچه از نمونه‌های پیشین به دست آمده، ارائه می‌دادند. به عبارت دیگر، برای کفایت نمونه‌گیری از اصل اشباع نظری^۱ استفاده شد و نمونه‌گیری تا زمان رسیدن مدل به مرحله اشباع ادامه پیدا کرد (Willig, 2013).

هم‌زمان با گردآوری داده‌ها، تحلیل مصاحبه‌ها نیز آغاز گردید (Corbin and Strauss, 2008). به نحوی که بعد از تحلیل و کدگذاری داده‌های حاصل از هر مصاحبه یا سند سازمانی، با مشخص شدن نقاط مبهم و نقاط ضعف نظریه در حال تکوین، در مصاحبه بعدی برای اصلاح و غنی‌تر کردن نظریه سؤال‌های مناسب طرح می‌شد و نمونه‌گیری آن‌قدر ادامه یافت تا مقوله‌ها اشباع شدند (Eaves and Vonne, 2001). بر این اساس، پس از انجام ۱۶ مصاحبه با خبرگان و مطالعه ۷ سند سازمانی، مقوله‌ها به حد اشباع رسیدند؛ یعنی در بررسی آخرین نمونه‌های مطالعه شده، هیچ مفهوم جدیدی به مفاهیم پیشین تحقیق اضافه نشد. (McFerran and Saarikallio, 2014).

در این تحقیق برای تحلیل متن مصاحبه‌ها و اسناد سازمانی از دو رویکرد کدنامه‌ای^۲ و رویکرد ویرایشی^۳ استفاده شده است. در رویکرد کدنامه‌ای، با بررسی مبانی نظری، راهنمای تحلیل مصاحبه که شامل مفاهیم مرتبط با شهرنشینی و فرهنگ سیاسی است، تهیه شد و سپس متن مصاحبه‌ها و اسناد سازمانی با استفاده از راهنمای کلی که شامل تعدادی از طبقه‌ها یا مفاهیم مرتبط با سؤالات پژوهش است تحلیل گردید (Remenyi, 2012). همچنین جهت تحلیل عمیق داده‌ها، از رویکرد ویرایشی نیز برای تحلیل متن مصاحبه‌ها و اسناد سازمانی استفاده شد. این سبک تحلیل داده‌ها

1. Theoretical Saturation
2. Template Analysis
3. Editing Approach

ویرایشی نامیده می‌شود، زیرا مفسر مانند ویراستار عمل می‌کند که به دنبال شناسایی بخش‌های معنی‌دار، کم و زیاد کردن کلمات یا جملات و حذف کلمات غیرضروری در متن است (Crabtree and Miller, 1999).

در گام دوم، با استفاده از روش تحقیق کمی (آزمون هم‌بستگی و تحلیل مسیر) مدل تدوین شده گام پیشین آزموده شد. جامعه آماری این مرحله شامل شهروندان تهرانی در گروه سنی ۱۸ سال به بالا است. بنا بر نظر گریس (۲۰۰۶) و پاینده و امیدی (۱۳۹۲)، به ازای هر پارامتر مجهول ۱۰ مشاهده مورد نیاز است. با توجه به تعداد پارامترهای مجهول مدل، نیاز به ۲۴۰ نمونه بود که برای اطمینان ۲۶۰ پرسش‌نامه توزیع گردید که از میان آنها ۲۵۱ پرسش‌نامه قابل استفاده بود. به منظور تکمیل پرسش‌نامه‌ها با مراجعه به مناطق مورد مطالعه، به صورت تصادفی از نمونه‌های در دسترس برای پرسش‌نامه استفاده شد. به منظور تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌ها از آزمون هم‌بستگی پیرسون و آزمون رگرسیون چندمتغیره با بهره‌گیری از نرم‌افزار SPSS استفاده شد.

به منظور سنجش روایی پرسش‌نامه، با استفاده از روش اعتبار محتوای صوری، پرسش‌نامه برای ۳۵ نفر از متخصصان از طریق رایانامه ارسال گردید و نظرات اصلاحی آنها در پرسش‌نامه نهایی اعمال شد. پایایی پرسش‌نامه با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ سنجش شد که نتایج این آزمون در جدول ۱ ارائه گردیده است. با توجه به اینکه ضریب آلفای کرونباخ هر دو بخش پرسش‌نامه بالاتر از ۰/۷ است، لذا پرسش‌نامه از پایایی مورد قبولی برخوردار است.

جدول ۱. ابعاد و پایایی پرسش‌نامه پژوهش

ابعاد شهرنشینی			ابعاد فرهنگ سیاسی		
تعداد سؤالات	۲۴	۱۸	تعداد سؤالات	۲۴	۱۸
آلفای کرونباخ	۰/۸۲	۰/۷۴	آلفای کرونباخ	۰/۸۲	۰/۷۴

یافته‌های پژوهش و تجزیه و تحلیل

یافته‌های کیفی

همان‌طور که در مطالب فوق تشریح گردید، در گام اول تحقیق با استفاده از تحقیق کیفی مبتنی بر تکنیک دلفی سیاستی، بر اساس نتایج مصاحبه با خبرگان، عوامل شکل‌دهنده شهرنشینی و توسعه فرهنگ سیاسی شناسایی شده و مدل تأثیر شهرنشینی بر توسعه فرهنگ سیاسی تنظیم گردید. برای استخراج این عوامل و تحلیل متن مصاحبه با خبرگان از تکنیک تحلیل محتوا استفاده شد. نتایج تحلیل محتوای مصاحبه با خبرگان و همچنین مؤلفه‌ها و گویه‌ها و متغیرهای استخراج شده در جدول ۲ و نیز ارتباط آنها با توسعه سیاسی در شکل ۲ نشان داده شده است.



شکل ۲. مؤلفه‌های شهرنشینی و فرهنگ سیاسی و ارتباط آنها با توسعه سیاسی

جدول ۲. نتایج تحلیل محتوای مصاحبه با جامعه خبرگان

متغیر	شاخص	مؤلفه	بعد
شرکت در انتخابات مجلس، شرکت در انتخابات ریاست جمهوری، شرکت در انتخابات شورای اسلامی روستاها و شهرها، شرکت در انتخابات شورای نگهبان، شرکت در همه‌پرسی‌های قانون اساسی، مشارکت در مدیریت شهری و دولت‌های محلی و ...	مشارکت سیاسی شهروندان		فرهنگ سیاسی
آشنایی با قوانین احزاب، شناسایی قوانین انجمن‌ها و جایگاهشان در قوانین کشوری، عضویت در احزاب خاص، عضویت در انجمن‌های خاص، شناخت ویژگی‌های احزاب کشور، شناسایی انجمن‌های دولتی و خصوصی، شرکت در انجمن‌های صنفی، بالا رفتن پایگاه اجتماعی افراد	شرکت در احزاب و انجمن‌ها	مشارکت سیاسی	
امکان تصدی مشاغل دولتی از سوی همه گروه‌ها با هر رنگ، نژاد و مذهب، امکان تصدی نمایندگی مجلس شورای اسلامی، امکان انتخاب شدن به عنوان رجل سیاسی	شرکت مردان در امور سیاسی		
امکان تصدی مشاغل دولتی از سوی همه گروه‌ها با هر رنگ، نژاد و مذهب، امکان تصدی کرسی نمایندگی مجلس شورای اسلامی، امکان انتخاب در سمت رئیس جمهور، یا دیگر سمت‌های مدیریتی و مسئولیت‌های تأثیرگذار و ...	شرکت زنان در امور سیاسی		

ادامه جدول ۲. نتایج تحلیل محتوای مصاحبه با جامعه خبرگان

متغیر	شاخص	مؤلفه	بعد
پیگیری اخبار و رویدادهای مربوط به داخل کشور، پیگیری اخبار و رویدادهای مربوط به خارج از ایران، پیگیری اخبار مربوط به انقلاب و تحولات بنیادی، پیگیری انتخابات مربوط به کشورهای مهم جهان، شناخت روندهای سیاسی ایران و دیگر کشورها، پیگیری اخبار و مطبوعات	آگاهی از مسائل روز سیاسی ایران و جهان		
شناخت حقوق و وظایف مربوط به خود در قانون اساسی، شناخت حقوق و وظایف مربوط به نمایندگان مجلس در قانون اساسی، شناخت وظایف مجریان حکومتی، آگاهی از چگونگی مکانیسم رأی‌گیری، آگاهی از حق و حقوق شهروندی، پیگیری مطالبات افراد، آزادی بیان و ...	آگاهی از قانون اساسی	آگاهی سیاسی	
آگاهی از وظایف قوه مجریه، آگاهی از وظایف رهبری، آگاهی از وظایف قوه مقننه، آگاهی از وظایف قوه قضائیه و ...	شناخت کارویژه‌های نهادهای حکومتی و قوای سه‌گانه		
آگاهی از چگونگی انتخاب رهبران و مجریان کشوری، آگاهی از چگونگی انتخاب مجریان قضایی، آگاهی از چگونگی احقاق حق در مجاری قانونی، امکان ورود و صعود در سازمان‌ها و نهادهای دولتی و غیردولتی	شناخت مکانیسم‌های ورودی سیستم سیاسی		
دوری از تنش و هیجان‌زدگی، قائل شدن حق برای طرف مقابل در گفتگوها، رعایت حریم در موضوعات سیاسی، پیگیری نشست‌های سیاسی	بحث در باب موضوعات سیاسی		
آگاهی از حق تألیف، چاپ و ترجمه کتاب، آگاهی از حق مربوط به ثبت اختراعات، آگاهی از چگونگی نشر کتاب، حق آزادانه انتشار کتاب	انتشار آثار و مطالب مکتوب	آزادی بیان و اندیشه	
آگاهی از مکانیسم احقاق حق در زمان احساس تقلب یا شائبه در انتخابات، آگاهی از چگونگی برگزاری تظاهرات به صورت مسالمت‌آمیز، آگاهی از زمان مناسب برای پاسخ‌گویی به اعتراضات	حق اعتراض		
شناسایی مکانیسم‌های چگونگی تأثیر بر مقامات اجرایی، شناسایی مکانیسم‌های چگونگی تأثیر بر مقامات قضایی، شناسایی مکانیسم‌های تأثیرگذاری بر مقامات در قوه مقننه و دیگر نهادها	تأثیر بر تصمیم‌گیری‌های سیاسی		
آگاهی از حقوق صنفی خود در قوانین، آگاهی از حقوق مدنی خود در قوانین اساسی و دیگر قوانین، آگاهی از میزان دخالت دولت در امور اجتماعی، آگاهی از دخالت‌های بیجای دولت در امور اجتماعی	دخالت دولت در امور اجتماعی		دموکراسی
طرح ایده در تصمیم‌سازی‌ها، برنامه‌ریزی از پایین به بالا، حضور در سازمان‌های تأثیرگذار	دخالت بر اجرای امور		
شناسایی احزاب موجود در کشور، شناسایی رویه‌های تصمیم‌گیری در احزاب، شناسایی مقامات تأثیرگذار در احزاب، افزایش کانال‌های ارتباطی بین مردم و احزاب	تأثیرگذاری بر احزاب و حکام		
ارتباط در قالب گروه‌ها، ارتباط در قالب احزاب و انجمن‌ها، عضویت در گروه‌های شغلی، حضور در فضاهای شهری و فضاهای عمومی، دسترسی به شبکه‌های اجتماعی، عضویت در شبکه‌های اجتماعی، استفاده گسترده از فناوری‌های جدید، شکل‌گیری فضاهای موازی، شکل‌گیری کاربری‌های مجازی	تسهیل ارتباطات جمعی	شکل‌گیری فضاهای عمومی و مجازی	شهرنشینی
حضور دیدگاه‌های مختلف، وجود احزاب مختلف، حضور شهروندان با ایده‌های متفاوت، افزایش کانال‌های ارتباطی، علایق متفاوت و نیز فلسفه متفاوت زندگی	تکثرگرایی		
توسعه امکانات و زیرساخت‌ها، تسهیل دسترسی به اماکن مختلف، کوتاه شدن فاصله‌های زمانی، سرمایه‌گذاری گسترده، بهره‌گیری از علوم و فنون روز و کاربردی کردن آنها	توسعه ارتباطات		

ادامه جدول ۲. نتایج تحلیل محتوای مصاحبه با جامعه خبرگان

متغیر	شاخص	مؤلفه	بعد
شکل‌گیری جامعه آزاد، ارتقای ظرفیت‌های افراد و گروه‌ها، انعطاف‌پذیری، احترام به مقوله دموکراسی، انسجام اجتماعی، افزایش نظارت و مراقبت دائمی	تبادل نظر و عقیده		
دهکده جهانی، بهره‌گیری از نمادها و نشانه‌های فراملی، گسترش مارک‌ها و برندها، بسترسازی برای جامعه مردم نهاد، مفهوم‌سازی شهروند جهانی، بسط استانداردهای واحد، تأثیرپذیری در فرایندهای برنامه‌ریزی، اقتصاد بازار آزاد، افزایش وابستگی ملل به یکدیگر	جهانی شدن		
تکثر در الگوهای زندگی، شکل‌گیری جامعه مرفه، کوچک شدن بعد خانوار، مصرف‌گرایی، کم شدن ارتباطات خانواده‌ها، تغییر در فضا و کالبد مسکن، تغییر در سلیقه‌ها، تغییر رژیم‌های غذایی، شکل‌گیری ارتباطات مادی، تغییر کیفیت زندگی	تغییر سبک زندگی		
آگاهی از حق و حقوق شهروندی، شناخت قوانین شهروندی، مطالبه حقوق شهروندی، اعتراض به روندهای موجود، وظایف و مسئولیت‌های شهروندان در قبال یکدیگر، وظایف و مسئولیت‌های شهروندان در قبال مدیریت شهری، دولت و قوای حاکم، مطالبات دولت یا حکومت از شهروندان	حقوق شهروندی		
شکل‌گیری طبقه متوسط، سازمان‌یابی گروه‌ها و نیروهای اجتماعی، شایسته‌سالاری، پرورش نسل‌های آینده با مشخصه‌هایی چون احترام متقابل، محاسبه‌گری، عقلانیت ابزاری، توجه به زمان و فرصت‌ها، آینده‌نگری، شفاف و دقیق بودن، دارای مسئولیت اجتماعی، داشتن استعداد همکاری و کار سازمانی، توان تسلط بر احساسات، داشتن روحیه علمی و مطالعاتی و آمیخته بودن با قانون و آزادی	نخبه‌پروری		
توسعه سیستم آموزشی، دسترسی به امکانات مختلف در باب آموزش، گستردگی دانشگاه‌ها، نهادها و ارگان‌های آموزشی، امکان ارتقا به سطوح بالاتر از جمله در سطح تحصیلات تکمیلی، کاهش میزان بی‌سوادی، تسهیلات آموزشی و سیطره مراکز آموزشی، ایجاد فضای رقابتی	سطح سواد	نهادسازی	
شکل‌گیری مجموعه‌ای از مشاغل، تکثر در الگوهای زندگی، تقسیم کار، توسعه ظرفیت‌های نهفته، سطح تولید بیشتر، افزایش بهره‌وری، دسترسی به فرصت‌های شغلی بهتر، تخصصی‌تر شدن مشاغل، توسعه بخش خدمات و فناوری	تخصص‌گرایی		
سهولت در دسترسی به خواسته‌های مدنی، ارتقای پایگاه‌های اجتماعی و سیاسی، شکل‌گیری سندیکاها و صنوف، شکل‌گیری تشکلهای دولتی، غیردولتی و مردم‌نهاد، شکل‌گیری نهادهای دینی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در جامعه	تشکل‌پروری		
تشویق به مشارکت، جلوگیری از مشارکت سیاسی نامتعارف، سهولت در دسترسی به خواسته‌های مدنی، کاهش کنترل‌های اجتماعی	افزایش محرک‌های سیاسی		
افزایش فرصت‌ها جهت تغییر در پایگاه اجتماعی، افزایش تحرک صعودی در شهر، اکولوژی شهری، تعاملات اجتماعی چندگانه	تحرک اجتماعی		
بدین معنی که افراد علی‌رغم تفاوت در شغل، مذهب، قومیت، طبقه و سطح اجتماعی و باورهای متفاوت، به همدیگر وابسته‌اند و همانند یک کارگزاری عمل می‌کنند.	شکل‌گیری مجموعه‌ای از کارگزاری‌ها	بسیج اجتماعی	
جهانی شدن و شکل‌گیری دنیای ارتباطات، افزایش طبقه متوسط شهری جدید، ارتقای سطح مادی، زمان و آموزش، افزایش طبقه دانشگاهی و نخبه، مادی‌گرایی، جایگزین شدن شیوه بیرونی کنش به جای شیوه درونی کنش، پیگیری مطالباتی نظیر آزادی، هویت و حقوق بشر، بهره جستن از شکاف‌های وضع موجود اجتماع، تعداد اعضای بسیار زیاد، ایجاد تغییر در رسم‌ها، عادات و هنجارها	شکل‌گیری جنبش‌های اجتماعی		

ادامه جدول ۲. نتایج تحلیل محتوای مصاحبه با جامعه خبرگان

متغیر	شاخص	مؤلفه	بعد
ویژگی‌های فردی مانند سن، سطح تحصیلات و وضعیت اشتغال جوانان، پایگاه اجتماعی و اقتصادی، شرایط محیط زندگی، نگرش‌ها و انگیزه‌ها، وجود نهاد و سازمان‌های جمعی و میزان دسترسی به امکانات ارتباطی	مشارکت اجتماعی		
واگرایی جهت‌گیری‌های شخصی از طریق نمایش تصاویر معیاربندی‌شده زندگی شهری از طریق فروشگاه‌ها، کلوب‌ها، رستوران‌ها، اتوبوس‌ها، روزنامه‌ها، تلویزیون، رادیو، مدارس و دانشگاه‌ها و ...	معیاربندی رفتارها		
تضاد بین هنجارها و ارزش‌ها، کاهش ارتباطات شخصی صمیمانه، تعامل افراد مختلف با همدیگر بدون توجه به طبقه و پایگاه اجتماعی افراد، عدم کنترل اجتماعی، آزادی فردی، عدم الزام به پابندی روابط اجتماعی اولیه	گمنامی		
توسعه فضاهای عمومی، میداين و مراکز مختلف شهری، جشنواره‌ها و سمینارهای فرهنگی، اجتماعی و ...، شبکه‌های حمل‌ونقل، عضویت در شبکه‌های اجتماعی مجازی و حقیقی	تعامل اجتماعی		
جابه‌جایی اجتماعی، فردگرایی، جداسازی فضایی، تسامح و مدارای اجتماعی، کنترل ثانویه و مشارکت داوطلبانه، تکثرگرایی، تحرک جغرافیایی	کثرت هویت‌ها و پیوند اجتماعی	تضعیف بنیان‌های عشیره‌ای، قومی و جنسیتی	
امکان حضور ایمن همه گروه‌های شهری، از جمله زنان در فضاهای شهری، عدم اهمیت جنسیت در فضاهای شهری، کاربری‌های مختلط، رضایت‌مندی و بهره‌مندی بهره‌گیران، دسترسی به فرصت‌های شغلی برابر، شایسته‌سالاری و تخصص‌گرایی، جنبش‌های زنان و رویکردهای فمینیستی، حضور زنان در سلسله‌مراتب مدیریتی، دولتی و ...	رنگ باختن تفاوت‌های جنسیتی		
رنگ باختن ارتباطات فامیلی و رابطه‌ای، تخصصی شدن مشاغل، رواج قوانین و مقررات، دسترسی به تسهیلات و خدمات شهری، دسترسی به فرصت‌های برابر در زمینه‌های آموزشی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و ... ارتقای بهداشت و درمان و شاخص‌های آن	دسترسی به فرصت‌های برابر		
شکل‌گیری انسجام ارگانیک به جای انسجام مکانیکی، انسجام اجتماعی، رنگ باختن ارزش‌ها و باورهای قومی و قبیله‌ای، رنگ باختن تعصبات مذهبی، پابندی به ارزش‌ها و باورهای غیررسمی	میزان همگونی و اختلاط		

همان‌طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، توسعه فرهنگ سیاسی و شهرنشینی با عوامل مداخله‌گر زیادی ارتباط و پیوند دارد. اما نکته حائز اهمیت آن بستر و مکان جغرافیایی است که توسعه فرهنگ سیاسی در آن به وقوع می‌پیوندد. بر اساس گویه‌های فوق، دو عامل اصلی در عینیت یافتن مبحث فرهنگ سیاسی در یک فضای جغرافیایی تأثیرگذارند: نخست، نقش دولت و حاکمیت به عنوان متولی امور برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری قابل بررسی است. چرا که دولت و نهادهای تأثیرگذار با تعیین قوانین و مقررات مبنای میزان برخورداری از سطح دموکراسی و پیاده‌سازی آن در جامعه نقش سلبی یا ارتقادهنده توسعه فرهنگ سیاسی را دارند و تا زمانی که عزم جدی در این خصوص شکل نگیرد، نمی‌توان انتظار داشت فعالیت‌های مختلفی نظیر افزایش مشارکت سیاسی، شکل‌گیری احزاب و ... به سطح ایده‌آل خود نزدیک شود. عامل دوم، اعضای جامعه هدف اند که سطح و میزان مطالبات آنها از دولت با توجه به میزان آگاهی‌های سیاسی،

شکل‌گیری نهادهای مختلف در جامعه، عدم پایداری به تفکرات بازدارنده توسعه نظیر اندیشه‌های قومی و قبیله‌ای، سطح سواد، انگیزه‌های مشارکت مدنی و ... متغیر خواهد بود. اما آنچه حائز اهمیت است، بستر و مکان جغرافیایی به‌وجودآورنده توسعه فرهنگ سیاسی است. لذا می‌توان شهر و شهر نشینی را به مثابه مکان و فضایی جغرافیایی، تبلور و خاستگاه اولیه توسعه فرهنگ سیاسی قلمداد کرد.

یافته‌های کمی

یافته‌های کمی این پژوهش به دو بخش اصلی تقسیم می‌شود. در بخش اول هم‌بستگی درونی بین مؤلفه‌های شهرنشینی و فرهنگ سیاسی محاسبه شد و در بخش دوم نیز از آزمون تحلیل مسیر، برای برآورد اثرهای مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای شهرنشینی بر توسعه فرهنگ سیاسی بهره گرفته شده است. در ادامه، نتایج این آزمون‌ها به تفصیل ارائه گردیده است.

هم‌بستگی بین مؤلفه‌های شهرنشینی

به منظور سنجش رابطه معنادار بین ابعاد شهرنشینی از آزمون هم‌بستگی ناپارامتریک اسپیرمن استفاده شده است. بر اساس نتایج این آزمون که در جدول ۴ آمده است، ارتباط معنادار و مستقیم بین این مؤلفه‌ها وجود دارد. از نظر میزان هم‌بستگی مؤلفه بسیج اجتماعی بیشترین ارتباط را با مؤلفه فضاهای عمومی و مجازی و کمترین ارتباط را با نهادسازی دارد. مؤلفه نهادسازی بیشترین ارتباط را با مؤلفه فضاهای عمومی و مجازی و کمترین ارتباط را با بسیج اجتماعی دارد. مؤلفه فضاهای عمومی و مجازی بیشترین ارتباط را با مؤلفه تضعیف بنیان‌های عشیره‌ای - قومی و جنسیتی و کمترین ارتباط را با مؤلفه نهادسازی دارد. مؤلفه تضعیف بنیان‌های عشیره‌ای - قومی بیشترین ارتباط را با مؤلفه فضاهای عمومی و مجازی و کمترین ارتباط را با مؤلفه بسیج اجتماعی دارد. شایان ذکر است، مؤلفه‌های فضاهای عمومی و مجازی و تضعیف بنیان‌های عشیره‌ای - قومی و جنسیتی به ترتیب بیشترین ضریب هم‌بستگی را با دیگر مؤلفه‌ها دارند.

جدول ۳. میزان هم‌بستگی بین مؤلفه‌های شهرنشینی با استفاده از آزمون اسپیرمن

متغیرها	بسیج اجتماعی		نهادسازی		فضاهای عمومی و مجازی		تضعیف بنیان‌های عشیره‌ای - قومی	
	ضریب هم‌بستگی	سطح معناداری	ضریب هم‌بستگی	سطح معناداری	ضریب هم‌بستگی	سطح معناداری	ضریب هم‌بستگی	سطح معناداری
بسیج اجتماعی	-	-	۰/۴۸۲	۰/۰۰	۰/۶۵۹	۰/۰۰	۰/۵۲۲	۰/۰۰
نهادسازی	۰/۴۸۲	۰/۰۰	-	-	۰/۶۰۰	۰/۰۰	۰/۵۷۴	۰/۰۰
فضاهای عمومی و مجازی	۰/۶۵۹	۰/۰۰	۰/۶۰۰	۰/۰۰	-	-	۰/۷۴۳	۰/۰۰
تضعیف بنیان‌های عشیره‌ای - قومی	۰/۵۲۲	۰/۰۰	۰/۵۷۴	۰/۰۰	۰/۷۴۳	۰/۰۰	-	-

هم‌بستگی بین مؤلفه‌های فرهنگ سیاسی

بر اساس نتایج آزمون هم‌بستگی ناپارامتریک اسپیرمن که در جدول ۵ آمده، ارتباط معنادار و مستقیم بین مؤلفه‌های فرهنگ سیاسی وجود دارد. از نظر میزان هم‌بستگی، مؤلفه مشارکت سیاسی بیشترین ارتباط را با مؤلفه دموکراسی دارد. مؤلفه آگاهی سیاسی بیشترین ارتباط را با مؤلفه آزادی بیان و اندیشه و کمترین ارتباط را با مشارکت سیاسی دارد. مؤلفه آزادی بیان و اندیشه بیشترین ارتباط را با مؤلفه آگاهی سیاسی دارد. مؤلفه دموکراسی نیز بیشترین ارتباط را با مؤلفه آگاهی سیاسی و کمترین ارتباط را با مؤلفه آزادی بیان و اندیشه دارد. شایان ذکر است که مؤلفه‌های آزادی بیان و اندیشه و آگاهی سیاسی به ترتیب بیشترین ضریب هم‌بستگی را با دیگر مؤلفه‌ها دارند.

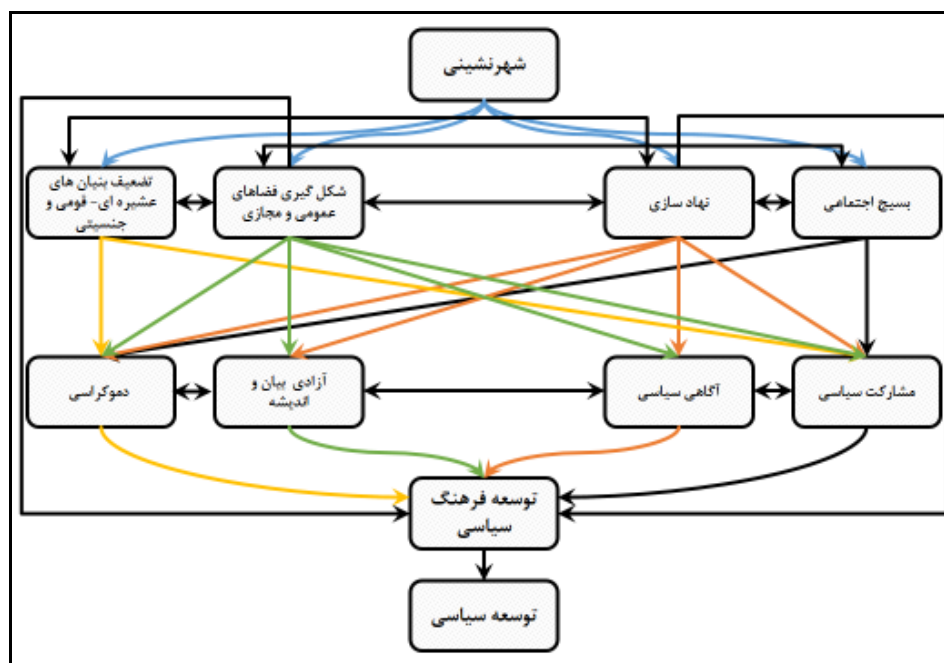
جدول ۴. میزان هم‌بستگی بین مؤلفه‌های فرهنگ سیاسی با استفاده از آزمون اسپیرمن

متغیرها	مشارکت سیاسی		آگاهی سیاسی		آزادی بیان و اندیشه		دموکراسی	
	ضریب هم‌بستگی	سطح معناداری	ضریب هم‌بستگی	سطح معناداری	ضریب هم‌بستگی	سطح معناداری	ضریب هم‌بستگی	سطح معناداری
مشارکت سیاسی	-	-	۰/۱۲۹	۰/۰۴۱	۰/۲۴۰	۰/۰۰	۰/۲۶۸	۰/۰۰
آگاهی سیاسی	۰/۱۲۹	۰/۰۴۱	-	-	۰/۵۵۹	۰/۰۰	۰/۲۸۶	۰/۰۰
آزادی بیان و اندیشه	۰/۲۴۰	۰/۰۰	۰/۵۵۹	۰/۰۰	-	-	۰/۲۱۹	۰/۰۰
دموکراسی	۰/۲۶۸	۰/۰۰	۰/۲۸۶	۰/۰۰	۰/۲۱۹	۰/۰۰	-	-

تحلیل مسیر و آزمون مدل پژوهش

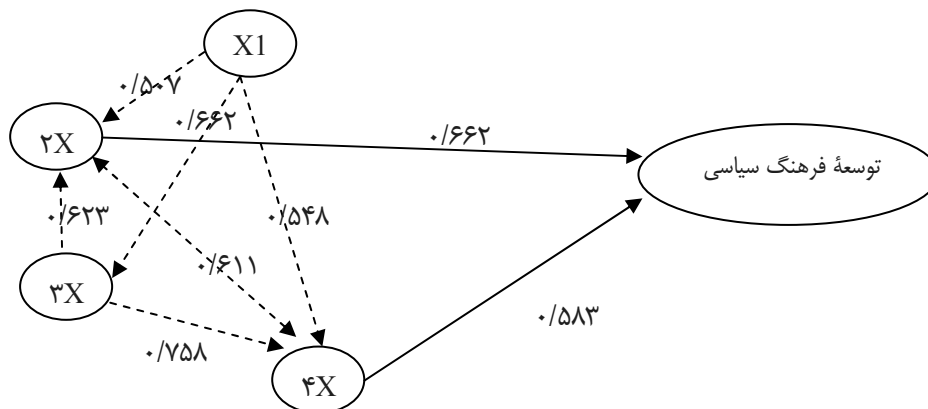
در این پژوهش برای سنجش اثرهای مستقیم و غیرمستقیم متغیر مستقل (شهرنشینی) بر متغیر وابسته (توسعه فرهنگ سیاسی) از آزمون تحلیل مسیر^۱ استفاده شده است. تحلیل مسیر یک روش پیشرفته آماری است که به کمک آن می‌توان علاوه بر تأثیرات مستقیم، تأثیرات غیرمستقیم بر متغیر وابسته را نیز شناسایی کرد. مهم‌ترین بخش این تحلیل طراحی و آزمون نمودار مسیر است که از چند جزء اساسی تشکیل شده است. پس از مرور مبانی نظری و تدوین چارچوب نظری تحقیق و همچنین نتایج گام اول پژوهش، نمودار تحلیل مسیر تأثیرهای مستقیم و غیرمستقیم مؤلفه‌های شهرنشینی و فرهنگ سیاسی بر توسعه سیاسی طراحی شد و نتیجه در نهایت به آزمون تجربی گذاشته شد. نمودار طراحی شده تحلیل مسیر در شکل ۳ آمده است.

1. path analysis



شکل ۳. نمودار اولیه تحلیل مسیر پژوهش و ارتباط بین مؤلفه‌های آن

برای آزمون مدل طراحی‌شده فوق در گام اول، ارتباط مستقیم بین مؤلفه‌های شهرنشینی و توسعه فرهنگ سیاسی آزمون گردیده است که در شکل ۴ نشان داده شده است.

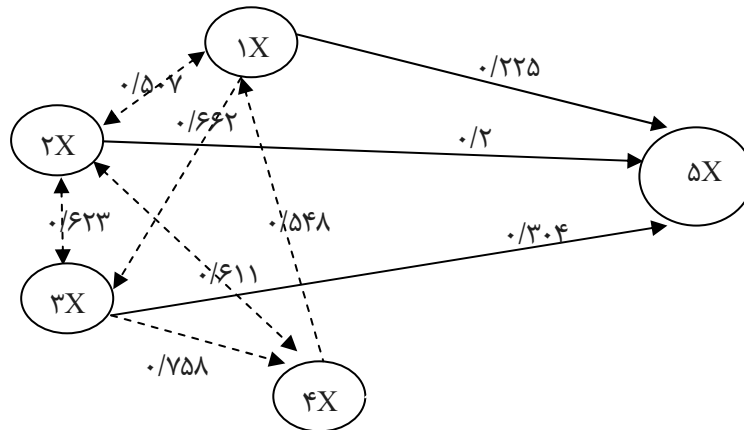


شکل ۴. تأثیرهای متقابل مؤلفه‌های شهرنشینی و توسعه فرهنگ سیاسی^۱

نتایج بیانگر آن است که دو مؤلفه نهادسازی و تضعیف بنیان‌های قومی و عشیره‌ای با مؤلفه توسعه فرهنگ سیاسی دارای ارتباط مستقیم بوده و دو مؤلفه بسیج اجتماعی و شکل‌گیری فضاهای عمومی و مجازی فاقد ارتباط مستقیم بوده‌اند. شایان ذکر است میزان ارتباط غیرمستقیم متغیرهای بسیج اجتماعی ۰/۶۵۴، نهادسازی ۰/۳۵۶، شکل‌گیری فضاهای عمومی و مجازی ۱/۷۲۶ و تضعیف بنیان‌های قومی و عشیره‌ای ۱/۲۷ است. لذا می‌توان گفت متغیر تضعیف بنیان‌های قومی و عشیره‌ای با میزان ارتباط مستقیم و غیرمستقیم ۱/۸۵۳ در بیشترین اثر و بسیج اجتماعی با ۰/۶۵۴ کمترین اثر را بر توسعه فرهنگ سیاسی داشته است.

۱. در اشکال ارائه‌شده مربوط به تحلیل، مسیر پیکان‌های ممتد (←) بیانگر ارتباط مستقیم و پیکان‌های منقطع بیانگر ارتباط غیرمستقیم است.

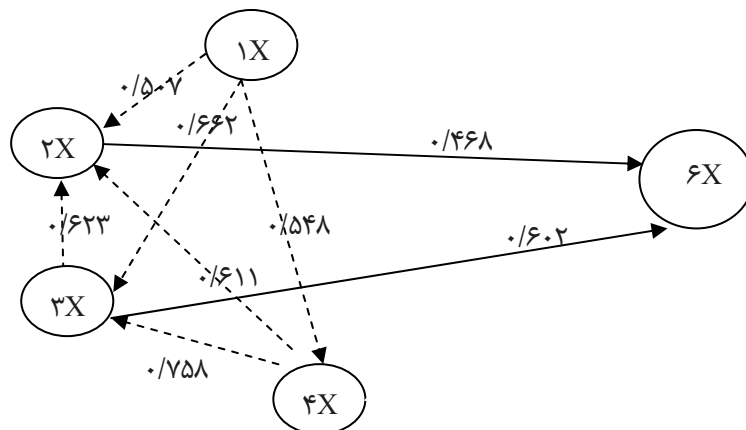
در گام دوم تحلیل بر اساس مدل مفهومی تحقیق، عامل مشارکت سیاسی به عنوان متغیر وابسته و عوامل بسیج اجتماعی، نهادسازی، شکل‌گیری فضاهای عمومی و مجازی و تضعیف بنیان‌های عشیره‌ای - قومی و جنسیتی به عنوان متغیرهای مستقل در نظر گرفته شده‌اند (شکل ۵).



شکل ۵. تأثیر متقابل مشارکت سیاسی و مؤلفه‌های شهرنشینی

همان‌طور که در شکل ۵ مشاهده می‌شود، متغیر شکل‌گیری فضاهای عمومی و مجازی با ضریب بتای $0/304$ بیشترین تأثیر را بر متغیر مشارکت سیاسی دارد. البته دو متغیر بسیج اجتماعی و نهادسازی نیز به ترتیب با بتای $0/255$ و $0/200$ بر عامل مشارکت سیاسی تأثیرگذار بوده‌اند. متغیر تضعیف بنیان‌های عشیره‌ای قومی و جنسیتی نیز بر متغیر مشارکت سیاسی نه به صورت مستقیم، که به شکلی غیرمستقیم تأثیرگذار بوده است و مقادیر آن در متغیر بسیج اجتماعی $0/536$ ، نهادسازی $0/436$ ، شکل‌گیری فضا $0/288$ و تضعیف بنیان‌های قومی $0/245$ است. بر این اساس، بیشترین اثر مستقیم و غیرمستقیم مربوط به متغیر بسیج اجتماعی با $0/761$ و کمترین آن مربوط به متغیر تضعیف بنیان‌های قومی و عشیره‌ای با $0/245$ است.

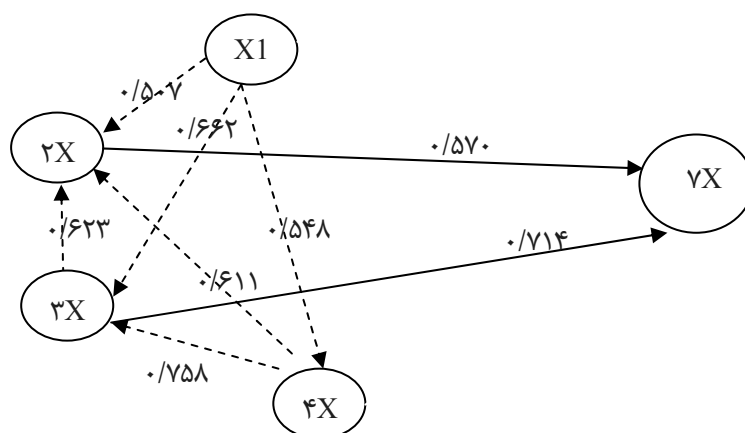
در گام سوم تحلیل، آگاهی سیاسی به عنوان متغیر وابسته، نهادسازی و شکل‌گیری فضاهای عمومی و مجازی به عنوان متغیرهای مستقل در نظر گرفته شده‌اند (شکل ۶).



شکل ۶. تأثیر متقابل آگاهی سیاسی و مؤلفه‌های شهرنشینی

همان‌طور که در شکل ۶ مشاهده می‌شود، متغیر شکل‌گیری فضاهای عمومی و مجازی با ضریب بتای $0/602$ بیشترین تأثیر مستقیم را بر متغیر آگاهی سیاسی دارد. در نتیجه، می‌توان گفت که متغیرهای نهادسازی، شکل‌گیری فضاهای عمومی و مجازی به صورت مستقیم و غیرمستقیم و متغیرهای بسیج اجتماعی ($0/885$) و تضعیف بنیان‌های قومی و عشیره‌ای ($0/962$) به صورت غیرمستقیم بر آگاهی سیاسی تأثیر می‌گذارند. به‌طور کلی می‌توان گفت که بیشترین اثرگذاری مربوط به متغیر تضعیف بنیان‌های قومی و عشیره‌ای و کمترین آن مربوط به متغیر نهادسازی با مقدار $0/461$ است.

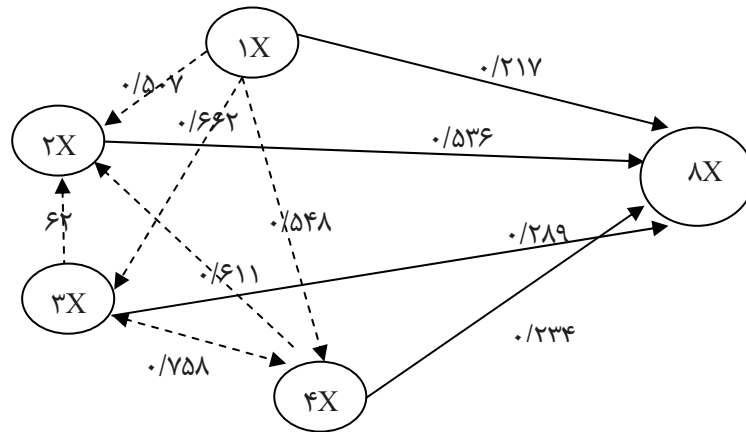
در گام چهارم تحلیل، مؤلفه آزادی بیان و اندیشه به عنوان متغیر وابسته، نهادسازی و شکل‌گیری فضاهای عمومی و مجازی به عنوان متغیرهای مستقل در نظر گرفته شده‌اند (شکل ۷).



شکل ۷. تأثیرهای متقابل آزادی بیان و اندیشه و مؤلفه‌های شهرنشینی

همان‌طور که در شکل ۷ مشاهده می‌شود، متغیر شکل‌گیری فضاهای عمومی و مجازی با ضریب بتای $0/714$ بیشترین تأثیر مستقیم را بر متغیر آزادی بیان دارد. در نتیجه می‌توان گفت که متغیرهای نهادسازی، شکل‌گیری فضاهای عمومی و مجازی به صورت مستقیم و غیرمستقیم و متغیرهای بسیج اجتماعی و تضعیف بنیان‌های قومی و عشیره‌ای به صورت غیرمستقیم بر آگاهی سیاسی تأثیر می‌گذارند که مقادیر آن عبارتند از: $1/056$ بسیج اجتماعی، $0/355$ شکل‌گیری فضاهای عمومی و مجازی و $0/617$ تضعیف بنیان‌های قومی و عشیره‌ای. به‌طور کلی می‌توان گفت بیشترین اثرگذاری مربوط به مؤلفه شکل‌گیری فضاهای عمومی و مجازی با تأثیر کل $1/069$ و کمترین آن مربوط به مؤلفه نهادسازی با مقدار $0/570$ است.

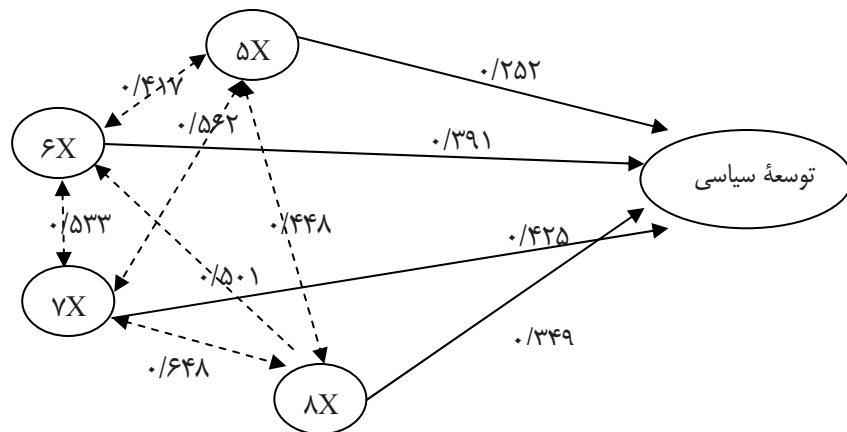
در گام پنجم تحلیل، مؤلفه دموکراسی به عنوان متغیر وابسته و عوامل بسیج اجتماعی، نهادسازی، شکل‌گیری فضاهای عمومی و مجازی و تضعیف بنیان‌های عشیره‌ای قومی و جنسیتی به عنوان متغیرهای مستقل در نظر گرفته شده‌اند (شکل ۸).



شکل ۸. تأثیر متقابل دموکراسی و مؤلفه‌های شهرنشینی

نتایج شکل ۸ نشان می‌دهد که متغیر نهادسازی با ضریب بتای $0/536$ بیشترین تأثیر مستقیم را بر متغیر دموکراسی دارد. در این مؤلفه بین تمام متغیرهای مستقل و وابسته هم رابطه مستقیم و هم غیرمستقیم وجود دارد. میزان تأثیر مستقیم در متغیر بسیج اجتماعی $0/590$ ، شکل‌گیری فضای مجازی $0/510$ و تضعیف بنیان‌های قومی و عشیره‌ای $1/620$ است. به‌طور کلی نیز بیشترین اثرگذاری مربوط به مؤلفه تضعیف بنیان‌های عشیره‌ای قومی و جنسیتی با مقدار $1/854$ و کمترین آن مربوط به مؤلفه نهادسازی با $0/536$ است.

پس از مشخص کردن ارتباط بین مؤلفه‌های شهرنشینی و توسعه فرهنگ سیاسی، در گام ششم بر اساس مدل تحلیل ارائه‌شده در شکل ۳، ارتباط بین مؤلفه‌های توسعه فرهنگ سیاسی و توسعه سیاسی آزمون شد. بر اساس نتایج، بین متغیرهای توسعه فرهنگ سیاسی به‌عنوان متغیر مستقل و توسعه سیاسی به‌عنوان متغیر وابسته، علاوه بر اثر مستقیم، اثرگذاری غیرمستقیم نیز وجود دارد. در شکل ۹ روابط بین این متغیرها نشان داده شده است.



شکل ۹. تأثیر مؤلفه‌های توسعه فرهنگ سیاسی بر توسعه سیاسی

با توجه به نتایج، بیشترین اثر مستقیم مربوط به متغیر آزادی بیان و اندیشه با مقدار $0/425$ و کمترین آن مربوط به متغیر مشارکت سیاسی با مقدار $0/252$ است. تأثیرهای غیرمستقیم در این متغیرها عبارتند از مشارکت سیاسی $0/828$ ، آگاهی سیاسی $0/718$ ، آزادی بیان و اندیشه $0/714$ و دموکراسی $0/530$. بیشترین اثر مستقیم و غیرمستقیم نیز مربوط به متغیر آزادی بیان و اندیشه با مقدار $1/139$ و کمترین آن مربوط به دموکراسی با مقدار $0/879$ است.

نتیجه‌گیری

با توجه به موضوع این پژوهش که بررسی تأثیرات ابعاد مختلف شهرنشینی بر توسعه فرهنگ سیاسی در ایران است، نتایج تحقیق که به مدد تلفیق روش‌های کمی و کیفی حاصل شده است، نشان می‌دهد که شهرنشینی در ایران به‌ویژه در دهه‌های اخیر هر چند خود معلول فرایندهای مختلف داخلی و جهانی بوده است، بر توسعه سیاسی و به‌ویژه توسعه فرهنگ سیاسی که مدخلی بر توسعه سیاسی در یک نظام و ساختار اجتماعی است، تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم داشته است. مدل خروجی تحقیق، رابطه معنادار بین ابعاد شهرنشینی و ابعاد توسعه فرهنگ سیاسی را نشان می‌دهد. آزمون آماری اسپیرمن نیز نشان می‌دهد که بین شهرنشینی و توسعه فرهنگ سیاسی هم‌بستگی وجود دارد. لذا در صورت افزایش شهرنشینی، توسعه فرهنگ سیاسی محقق شده و متعاقب با آن، با افزایش فرهنگ سیاسی، باید انتظار تغییر در کیفیت زندگی شهری و رشد ابعاد شهرنشینی و به‌طور کلی گذار از شهرنشینی به شهرگرایی و شکل‌گیری مجموعه‌ای از شهروندان مسئول و تأثیرگذار را داشته باشیم.

نتایج مدل تحلیل مسیر مربوط به مؤلفه‌های پژوهش نیز بیانگر آن است که مؤلفه‌های شهرنشینی نهادسازی و تضعیف بنیان‌های قومی و عشیره‌ای به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم بر توسعه فرهنگ سیاسی تأثیرگذار بوده و مؤلفه‌های بسیج اجتماعی و شکل‌گیری فضاهای عمومی و مجازی به‌صورت غیرمستقیم بر مؤلفه‌های توسعه فرهنگ سیاسی تأثیرگذارند. بیشترین مقدار تأثیر مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای شهرنشینی مربوط به متغیر تضعیف بنیان‌های قومی و عشیره‌ای با مقدار ۱/۸۵۴ بر متغیر دموکراسی بوده و کمترین آن نیز مربوط به تأثیر همین متغیر بر مشارکت سیاسی با مقدار ۰/۲۴۵ بوده است. همچنین از بین متغیرهای شهرنشینی، تضعیف بنیان‌های قومی و عشیره‌ای با میزان ارتباط کل ۱/۸۵۳ بیشترین اثر و بسیج اجتماعی با ۰/۶۵۴ کمترین اثر را بر توسعه فرهنگ سیاسی داشته است. از سوی دیگر، متغیر آزادی بیان و اندیشه به‌عنوان یکی از متغیرهای مؤلفه‌های توسعه فرهنگ سیاسی، با ۱/۱۳۹ بیشترین تأثیر و دموکراسی با ۰/۸۷۹ کمترین تأثیر را بر توسعه سیاسی داشته است.

از طرفی با توجه به سه مدل مطرح در باب تأثیر شهرنشینی بر توسعه فرهنگ سیاسی؛ اولین مدل که توسط میلبرت، داتچ، لرنر و دیگران بسط داده شده است، مدعی است مشارکت و فرهنگ سیاسی با جابه‌جایی افراد از مناطق حاشیه‌ای (روستایی) به مناطق مرکزی (شهری) بیشتر می‌شود. بر طبق مدل دوم که توسط وربا، نیل، دال، تافته و دیگران پرورش یافته، مشارکت و فرهنگ سیاسی با جابه‌جایی افراد از مناطق کم‌جمعیت یعنی روستاها و شهرهای کوچک به مناطق پرجمعیت یعنی شهرهای بزرگ و به‌ویژه پایتخت‌ها که از آنها به‌عنوان دولت‌شهر یاد می‌شود، تنزل می‌یابد. مدل سوم نیز که توسط آکس اینکلس و دیگران ارائه شده است، نشان می‌دهد که شواهد اندکی وجود دارد که شهرنشینی تأثیر آشکاری بر رفتار سیاسی افراد داشته باشد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که شهرنشینی در ایران و تأثیر آن بر توسعه سیاسی به‌طور اعم و توسعه فرهنگ سیاسی به‌صورت اخص از مدل ارائه‌شده توسط میلبرت، داتچ و لرنر تبعیت می‌کند.

پی‌نوشت: این مقاله مستخرج از رساله دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه تهران با عنوان «شهرنشینی و توسعه فرهنگ سیاسی در ایران» است.

منابع

- Inkeles, Alex; (1969). Participant Citizenship in Six Developing Country, American Political Science Review, LXIII, December, p.1139.
- Azimi, N.; (2006). city and the agglomeration of capital, Agah Press. Tehran.
- Babbie, E. R.; (2011). The Basics of Social Research, Cengage Learning, Belmont.
- Britannica (The New Encyclopedia), (1977). volume 12, Printed in U.S.A.
- Chalabi, M.; (1996). the sociology of order, 1st publishid, Ney Press, Tehran.
- Corbin J, Strauss, S.; (2008). Basics of Qualitative Research Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory, London, SAGE Publications, Inc., Third Edition.
- Crabtree, B. F.; Miller, W. L.; (1999). Doing Qualitative Research, Qualitative Series: Volume 3 of Research methods for primary care series, SAGE.
- Cutright, P.; (1963). National Political Development: Social and Economic Correlates, Political and Social Life, p. 569.
- Lerner, Daniel; (1956). the passing of Traditional Society, New York: free press, pp.43-75.
- Desai, Potter, V.; Robert, B.; (2002). The Companion to Development Studies, Oxford University Press Inc., New York.
- Desai, N.; (2010). Demographic Dividend or Debt, Building from bottom: Infrastructure and Poverty Alleviation edited.
- Duhaime, Carole P.; Tavish, Ronald Mc; Christopher A. Ross; (1985). Journal of macro marketing, spring.
- Eaves, Y.; Vonne, D.; (2001). A synthesis technique for grounded theory data analysis, Journal of Nursing Research, Vol. 5, pp 654-663.
- Farquhar, J. D.; (2012). Case Study Research for Business, SAGE, London.
- Fisher, Stephen; (2003). Political Culture, p. 1. (<http://malroy.econ.ox.ac.uk/fisher/polSOC>)
- Almond, Gabriel; Verba, Sidney; (1990). the Civic Culture: Political Atitudesand Democracy in Five Nations, Boston, Little Brown, p. 10.
- Ghavam, A.; (2000). the challenges of political development, Ghoumes Press, Tehran.
- Grace, J. B.; (2006). Structural equation modelling and natural systems, Cambridge university press, New York.
- Hesse-Biber, Nagy, Sharlene; (2010). Mixed Methods Research: Merging Theory with Practice, Guilford Press.
- Kim, Hong Nack; Choe, Sunki; (1987). Urbanization and Changing Voting Patterns in South Korean, Parliamentary Election, Journal of Northeast Asian Studies, Fall, pp. 31-32.
- Hashemzade, Hoseini; D.; (2000). analysis of political culture of master students, thesis for receiving the master degree of sociology, faculty of sociology, university of Tehran.
- Iran Statistical center, (2010). General Census of Population and Housing.

- Deutsch, Karl, W.; (1961). Social Mobilization and Political Development, American Political Science Review, LV September, pp. 493-515.
- McKenna, Keeney S.; F., H., Hasson; (2010). The Delphi Technique in Nursing and Health Research, John Wiley & Sons.
- Milbrath, Lester W.; (1965). political Participation: How and Why People Get Involved in Politics, Chicago, Rand McNally, pp. 110-4.
- Lipset, S. M.; (1959). Some Social Requisites of Democracy: Economic Development and Political Legitimacy, American Political Science Review, p. 69.
- Mc Crone, Crude; (1967). Toward a Communication Theory of Democratic Political Development: A Casual Model, American Political Science Review, pp. 72 – 79.
- McFerran, Katrina Skewes; Saarikallio, Suvi; (2014). Depending on music to feel better: Being conscious of responsibility when appropriating the power of music, The Arts in Psychotherapy 41, pp. 89–97.
- Momeni, M.; Faal Ghoumi, A.; (2009). Statistical analysis by using SPSS, Ketabe no Press, Tehran.
- Myrdal, Gunner; (1972). Asian Drama: An Inquiry into the poverty of Nations, abridged edition, New York, Vintage Books.
- Nazarian, A.; (2008). Dynamic of Urban systems, Mobtakeran Press, Tehran.
- Najafabadi, Paiande; Omid, amirteimour; Najafabadi, M.; (2013). Structural analysis Confirmatory, shahid beheshti University Press, Tehran.
- Pourahmad, A.; Eskandari Nodeh, M.; (2009). Qualitative research methods in human geography, The Organization for Researching and Composing University Textbooks in the Humanities (SAMT).
- Remenyi, D.; (2012). Case Study Research, Quick guide series, Academic Conferences Limited.
- Satterthwaite, David; (2007). The transition to a predominantly urban world and its underpinnings, ivied Human Settlements Discussion Paper Series, Theme, Urban Change- 4.
- Strenton, Poul; (1979). Development Ideas in Historical Perspective, in Toward a New Strategy for Development, Kim A. Hill, ed., New York, Pergamon Press.
- Tanter, R.; (1967). Toward a Theory of Political Development, Midwest Journal of Political Science, p. 145.
- Todaro, Smith; (2006). Economic Development, Prentice Hall, Ninth Edition.
- Usha, A.; (2002). Urban Environment – Sustainable Development, Working Paper Series, K 32. (http://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=955789).
- Willig, Carla; (2013). Introducing Qualitative Research In Psychology, McGraw-Hill International, Third Edition, Berkshire.